

آیین رسیدگی به مستثنیات دین

تدوین: رضا شاه‌حسینی،
رئیس شعبه دوم دادگاه حقوقی ورامین - قسمت اول

مقدمه:

در این مقاله حتی‌المقدور سعی شده است مسائلی که در عمل پیرامون مستثنیات دین مطرح می‌شود، در حقوق ایران، با تاکید بر نحوه عمل در دادگستری و اشاراتی مختصر در دو مرجع غیردادگستری (اداره ثبت و دارایی) و نیز مطالعه‌ای تطبیقی، مورد بررسی، نقد و تحلیل قرار گیرد.

در فصل اول مباحث؛ مرجع صالح، نحوه استناد و نحوه رسیدگی به مستثنیات دین مورد بررسی قرار گرفته است. بطوری که در پایان مبحث اول، مرجع صالحی که جهت رسیدگی به مسائل مطروحه در مستثنیات دین، صلاحیت دارد، در دادگستری و مراجع غیر دادگستری (اداره ثبت و دارایی) و نیز در حقوق خارجی، شناسایی خواهد شد.

هم‌چنین «نحوه استناد به مستثنیات دین»؛ یعنی، اینکه آیا خود اشخاص باید مدعی شوند یا مقامات اجرا رأساً باید اقدام نمایند و از توقیف و فروش مستثنیات دین خودداری نمایند، در مبحث دوم بررسی خواهد شد.

در مبحث سوم، نحوه رسیدگی مرجع صالح در مراحل مختلف عملیات اجرایی که موضوع اختلاف طرفین در خصوص مستثنیات دین حادث می‌شود، بررسی خواهد شد.

در فصل دوم، محور بحث پیرامون نوع تصمیم مرجع صالح، قابلیت اعتراض این تصمیم و آثار مترتب بر تصمیم مرجع صالح، در ادامه عملیات اجرایی و حقوق طرفین، خواهد بود.

دین ترتیب، از ابتدای مطرح شدن اختلاف طرفین در خصوص مستثنیات دین (مرجع صالح) تا انتهای آن (آثار مترتب بر عملیات اجرایی) مسائلی که مطرح می‌شود، در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فصل اول - مرجع صالح، نحوه استناد و رسیدگی به مستثنیات دین

در این فصل و در سه مبحث جداگانه به ترتیب



مختلف دادگستری ممکن است در خصوص اتخاذ تصمیم راجع به مستثنی بودن یا نبودن اموال مدیون صالح به نظر برسند. دادگاه صادرکننده حکم بدوی، دادگاه صادرکننده حکم قطعی و لازم‌الاجرا، دادگاه مجری حکم، دادگاه معضی نیابت، دادگاه مجری نیابت و دادگاه صادرکننده اجرائیه ممکن است در بدو امر صالح به رسیدگی به نظر برسند. هم‌بظور در مراجع غیردادگستری، اداره ثبت، اداره دارایی یا اداره کار و مراجع عالی رسیدگی به اعتراض، اجرائیه‌های صادره از مراجع فوق، ممکن است به عنوان مرجع صالح در اتخاذ تصمیم در خصوص تشخیص مستثنیات دین اموال مدیون یا متعهد سند، مطرح شوند. براین اساس در این مبحث در دو گفتار جداگانه مراجع دادگستری در حقوق ایران و حقوق خارجی و نیز مراجع غیر دادگستری را مورد شناسایی قرار می‌دهیم.

گفتار اول - مرجع قضائی

بند اول - حقوق ایران

چنانچه در مرحله اجرای حکم ایراد و اشکالی در توقیف و فروش اموال یا به طور کلی در عملیات اجرایی، پدید آید؛ به طوری که بر فرض

به بررسی شناسایی مرجع صالح جهت طرح ادعا، یا اعتراض مدیون، در خصوص معاف بودن مال (از توقیف و اجرا)، نحوه استناد مرجع صالح به این عنوان (مستثنیات دین)؛ از این نظر که آیا مدیون باید اعتراض کند یا خود مرجع صالح باید مقررات مستثنیات دین را رعایت نماید و در نهایت نحوه رسیدگی مرجع صالح، به مسائلی که پیرامون مستثنیات مطرح می‌شود، خواهیم پرداخت. منظور از نحوه رسیدگی، شناسایی ادله اثبات ادعا و این مورد که آیا اساساً رعایت مستثنیات دین در مورد مفاد حکم یا سند لازم‌الاجرا ضروری است یا خیر، هم‌چنین آیا حضور طرفین جهت رسیدگی ضرورت دارد یا خیر و نیز نحوه و انواع اقدامات مرجع صالح در این راستا در مراحل مختلف، و تفاوت عملیات اجرایی می‌باشد.

مبحث اول - مرجع صالح

همانگونه که در ابتدای این فصل بیان شد، در این مبحث به شناسایی مرجع صالح در رسیدگی به مسائلی که پیرامون مستثنیات دین حادث می‌شود، می‌پردازیم. اگر مستند اجرا، حکم دادگاه باشد، بحث اجرای احکام دادگستری مطرح می‌باشد. مراجع

اظهار نظر نماید. اگر چنین باشد، اولاً: منطبق با قوانین قبلی نیست و برخلاف اصول پذیرفته شده (اجرای احکام زیر نظر دادگاه بدوی است و رفع اشکال با همین دادگاه می‌باشد) است. ثانیاً: مشکلات عدیده‌ای در مرحله عملیات اجرایی پدید خواهد آمد؛ چه اینکه پرونده در مرحله اجرای حکم، جهت اظهار نظر دادگاه صالح باید به مرجع تجدیدنظر ارسال شود و این امر موجب اطاله اجرای حکم را فراهم می‌نماید.

علی‌ای حال، ممکن است گفته شود با توجه به اینکه قانونگذار در ماده (۵۲۵) ق.آ.د.م. مصوب ۱۳۷۹، صریحاً صادرکننده حکم لازم‌الاجرا را نامبرده است، بنابراین در این مورد خاص (اختلاف طرفین در خصوص مستثنیات دین) برخلاف قوانین قبلی، دادگاه بدوی که حکم غیرقطعی را صادر نموده است و لذا اینکه صدور اجرائیه یا او باشد، جهت رفع اختلاف طرفین صالح نخواهد بود و نمی‌توان (اجتهاد در برابر نص قانون) نمود و باید حکم قانون را رعایت کرد، کما اینکه قبل از تصویب قانون فوق، برخی از نویسندگان، چنین نظر داده بودند که اگر حکمی که باید به موقع اجرا گذاشته شود از دادگاه پژوهش و پس از فسخ حکم نخستین صادر شده باشد، صدور ورقه اجرا با دادگاه پژوهش خواهد بود.

هرچند عقیده فوق در جای خود قابل دفاع می‌باشد، اما در هر حال قانونگذار با صراحت کامل دادگاه صادرکننده حکم لازم‌الاجرا را بیان داشته است و نمی‌توان به اسانی چنین نهی را نادیده گرفت و مرجع دیگری را به عنوان دادگاه صالح معرفی کرد، لیکن به نظر ما، علاوه بر آنچه در مورد عدم انطباق حکم قانون (ماده ۵۲۵) با قوانین گذشته و اصول پذیرفته شده حقوقی، بیان شد، باید حکم قانونگذار را حمل بر مسامحه نمود و با توجه به اصل صلاحیت دادگاه صادرکننده اجرائیه در رسیدگی به رفع مشکلات که در مرحله اجرا، در خصوص نحوه و اجرای حکم پدید می‌آید (مواد ۲۵ و ۲۶ ق.ا. مدنی) دادگاه صادرکننده اجرائیه را جهت رفع اختلاف طرفین راجع به تعیین میزان مستثنیات دین متناسب با شأن و نیاز محکوم‌عنه، صالح دانست. رویه قضائی نیز بر همین منوال است. اداره حقوقی نیز در نظریه شماره ۷/۵۲۲ - ۷/۲۵/۷۱ مرجع اجراکننده حکم را صالح تشخیص داده است:

«اموالی که برای اجرای حکم توقیف نمی‌شود در ماده (۶۵) قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ پیش‌بینی شده است؛ تشخیص مورد و انطباق آن با مقررات مذکور، با عنایت به شأن و موقعیت اجتماعی محکوم‌علیه و عرف محل، به عهده مرجع اجراکننده حکم است.»

تنها نکته‌ای که در خصوص تعیین مرجع صالح باقی می‌ماند این است که اگر بعد از انجام مزایده و تفیذ آن از سوی دادگاه مجری حکم (موضوع ماده ۱۴۳ ق.ا.م. محکوم‌علیه مدعی شود که مال موضوع مزایده از جمله اموال مستثنیات دین او بوده است و تقاضای ابطال مزایده و عمیبات اجرایی و استرداد مال را نماید، رسیدگی به این ادعای محکوم‌علیه در صلاحیت چه مرجعی است؟ دادگاه محل اقامت خریدار یا دادگاه صادرکننده اجرائیه و مجری حکم؟ در صورتی که مال موضوع مزایده، مال غیرمنقول



به اموال مشمول مستثنیات دین برخلاف آنچه بیان شد، مرجع دیگری را معرفی نموده است، که قابل انتقاد به نظر می‌رسد. مطابق ماده فوق‌الذکر «... در صورت بروز اختلاف نسبت به متناسب بودن اموال واکنش موصوف در ماده قبلی (۵۲۴) با شئون و نیاز محکوم‌علیه، تشخیص دادگاه صادرکننده حکم لازم‌الاجرا، ملاک خواهد بود». مطابق ماده یک ق.ا. مدنی، حکم لازم‌الاجرا، حکمی است که قطعی شده باشد یا قرار اجرای آن در مواردی که قانون معین می‌کند، صادر شده باشد. حکم قطعی، حکمی است که یا اساساً غیرقابل تجدیدنظر باشد یا مهلت تجدیدنظر خواهی آن منقضی شده باشد یا اینکه مراحل تجدیدنظر خواهی را طی نموده باشد.

علی‌رغم مطالب فوق، قانونگذار در ماده (۵) ق.ا. مدنی جهت سهولت بیشتر و نیز تسریع در امر اجرا، صدور اجرائیه و اجرای حکم را با دادگاه نخستین اعلام نموده است. ماده (۲۹) آئین‌نامه قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب نیز موید همین مطلب است، مطابق این ماده: «صدور اجرائیه با رعایت مقررات ماده (۵) قانون اجرای احکام مدنی حسب مورد با شعبه صادرکننده رای خواهد بود، هرچند حکم مورد اجرا از مرجع تجدیدنظر صادر شده باشد.»

این تصمیم قانونگذار (صدور اجرائیه با دادگاه نخستین) کاملاً منطقی به نظر می‌رسد. اما همانگونه که بیان شد قانونگذار در بحث مستثنیات دین (ماده ۵۲۵) مرجع صالح جهت رسیدگی به اختلاف طرفین راجع به مستثنیات دین را دادگاه صادرکننده حکم لازم‌الاجرا، معرفی نموده است. با توجه به مفاد این ماده باید گفت اگر حکم در مرجع تجدیدنظر تأیید یا نقض شده باشد، چون حکم لازم‌الاجرا، حکمی است که دادگاه تجدیدنظر صادر نموده است، بنابراین چنانچه در مرحله اجرا، طرفین راجع به تعیین مستثنیات دین اختلاف نمایند، دادگاه تجدیدنظر باید

محکوم‌ه اموالی را معرفی نماید که جزء مستثنیات دین اموال محکوم‌علیه است یا اینکه بعد از توقیف مال، محکوم‌علیه مدعی شود اموال توقیف شده جزء مستثنیات دین است، این ایراد و اشکال به مفاد حکم یا نانشی از اجمال یا ابهام حکم یا محکوم‌ه نمی‌باشد، بلکه اشکالی است که در اجرای حکم پدید آمده است. بنابراین علی‌الاصول با توجه به مادیتین (۲۵) و (۲۶)، قانون اجرای احکام مدنی، رفع اختلاف در صلاحیت دادگاهی است که حکم زیر نظر یا توسط آن اجرا می‌شود و چنانچه دادگاه به اقتضای وجود مالی در حوزه قضائی دیگر، مراتب اجرای حکم را به دادگاه دیگر نیابت داده باشد، اجرای احکام مجری نیابت که حکم زیر نظر او اجرا می‌شود صالح به رسیدگی خواهد بود.

در صورت بروز اختلاف نسبت به متناسب بودن اموال و اشیاء موصوف در ماده قبلی (۵۲۴) با شئون و نیاز محکوم‌علیه، تشخیص دادگاه صادرکننده حکم لازم‌الاجرا، ملاک خواهد بود

اما ایراد این نظر این است که اجرای احکام مجری نیابت، دادگاه صادرکننده اجرائیه نیست، بنابراین نمی‌توان آنرا مرجع صالح جهت رسیدگی به اختلاف فوق، قلمداد نمود و لذا اجرای احکام مجری نیابت باید مراتب را صورتجلسه و به دادگاه صادرکننده اجرائیه، ارسال نماید. کما اینکه در حقوق عراق نیز چنین آمده است که چنانچه بر اعمال مدیر اجرای مجری نیابت اعتراض وارد شود، این اعتراض باید به مرجع معطی نیابت ارسال گردد. چون دایره مجری نیابت به اعتبار تصمیم و قرار نیابت مرجع معطی نیابت، اتخاذ تصمیم نموده است. اما ماده (۵۲۵) ق.آ.د.م. مصوب ۱۳۷۹، در خصوص تعیین مرجع صالح جهت رسیدگی به اختلاف طرفین راجع

اسناد رسمی، دادگاه صلاحیتدار محلی است که در حوزه آن دستور اجرا شده است.^{۱۱} همچنین مطابق ماده (۲۲۹) آیین‌نامه نحوه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرایی مصوب ۱۳۵۵: «هرکس از عملیات اجرایی شکایت داشته باشد می‌تواند شکایت خود را با ذکر دلیل و ارائه مدارک به رئیس ثبت محل تسلیم نماید...» بنابراین اگر متعهد سند به اصل صدور اجرائیه معترض باشد، مثلاً مدعی پرداخت طلب شود یا مدعی پرداخت مهریه زوجه شود، و رئیس ثبت بدون توجه به آن اقدام به صدور اجرائیه نموده باشد، مطابق ماده (۲) قانون اصلاح بعضی از مواد قانون ثبت و قانون دفتر رسمی، مصوب ۱۳۲۲/۶/۲۷، باید دعوی خود را نزد دادگاه محل مستقر در حوزه ثبتی مزبور طرح نماید. اما چنانچه مدیون به چگونگی عملیات اجرایی معترض باشد، مثلاً: در خصوص چگونگی توقیف اموال یا چگونگی مزایده مال توقیف شده معترض باشد، این اعتراض مطابق ماده (۲۲۹) آیین‌نامه فوق‌الذکر، نزد رئیس ثبت محل طرح می‌شود.

هرگاه مودی، مالیات قطعی شده خود را ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ پرداخت ننماید اداره امور اقتصادی و دارایی به موجب برگ اجرایی به او ابلاغ می‌کند ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ بدهی خود را بپردازد یا ترتیب پرداخت آن را به اداره امور اقتصادی و دارایی بدهد

اعتراض مدیون (متعهد سند) به اینکه اموال توقیف شده جزء مستثنیات دین اوست، اعتراض به اصل صدور اجرائیه نیست، بلکه در واقع مدیون به چگونگی عملیات اجرایی معترض است و ادعای او این است که اموال توقیف شده جزء مستثنیات دین بوده و رئیس ثبت برخلاف ماده (۶۹) آیین‌نامه مذکور اقدام به توقیف آن نموده است.

بنابراین چگونگی عملیات اجرایی مورد اعتراض قرار گرفته است، و لذا همانگونه که تبصره (۲) الحاقی به ماده (۶۹) آیین‌نامه نحوه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا مصوب ۱۳۷۰ تعیین و تکلیف نموده است، وفق ماده (۲۲۹) همین آیین‌نامه، رئیس ثبت باید نسبت به اعتراض مدیون (متعهد سند) رسیدگی نماید. متن این تبصره الحاقی به شرح زیر است:

«در صورت بروز اختلاف نسبت به متناسب بودن اموال و اشیاء موصوف با نیاز اشخاص فوق‌الذکر، رئیس ثبت محل با توجه به وضعیت خاص متعهد و عرف محل، مطابق ماده (۲۲۹) اتخاذ تصمیم خواهد کرد.»

بند دوم - اداره دارایی

مطابق ماده (۲۱۰) ق.م.م. مصوب ۱۳۶۶: «هرگاه مودی، مالیات قطعی شده خود را ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ پرداخت ننماید اداره امور اقتصادی و دارایی به موجب برگ اجرایی به او ابلاغ می‌کند ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ بدهی خود را بپردازد

ب - حقوق سوریه

در حقوق سوریه آمده است، هنگام وقوع اختلاف طرفین در جداکردن اموال مشمول مستثنیات دین، محکمه صادرکننده رای اظهارنظر می‌کند، و در خصوص تشخیص میزان مورد نیاز مال برای مدیون، نظر رئیس اجرا ملاک است.^{۱۲}

نتیجه تشخیص میزان مال مورد نیاز، در واقع منتهی به این خواهد شد که آن مال جزء مستثنیات دین می‌باشد یاخیر؟ بنابراین اصولاً تشخیص میزان مال مورد نیاز یا مال متناسب با شأن اجتماعی مدیون، در واقع تعیین مال مشمول مستثنیات دین است.

بر همین اساس تفکیک بین مقوله: تعیین خود مستثنیات دین اموال مدیون و میزان مال مورد نیاز وی، موجه نیست و نمی‌توان مورد اول را در صلاحیت دادگاه صادرکننده حکم دانست و مورد دوم را در صلاحیت رئیس اجرا.

ناگفته نماند که در حقوق ایران نیز مطابق ماده (۵۲۵) ق.ا.د.م، مرجع صالح، مال مورد نیاز و متناسب با شئون مدیون را تشخیص می‌دهد؛ در واقع مرجع صالح معلوم می‌کند مال جزء مستثنیات دین است یا خیر. پس به طور کلی می‌توان گفت، مرجع صالح مستثنیات دین اموال مدیون را تعیین می‌کند.

ج - حقوق عراق

در حقوق عراق چنین آمده است که تشخیص اینکه مال ممنوع از توقیف است یا خیر، با مدیر اجراست؛ مدیر اجرایی که دستور توقیف مال را داده است.^{۱۳}

به نظر ما هر چند این دیدگاه موجبات تسریع اجرای حکم را فراهم می‌نماید، لیکن نظر به اینکه تصمیم راجع به مستثنیات دین، تصمیم قضایی است و اکذاری این امر به مدیر اجرا که یک مقام اداری است، صحیح نمی‌باشد.

د - حقوق آمریکا

در حقوق آمریکا نیز چنین آمده است که بدهکار می‌تواند دعوی مستثنیات دین را در دادگاهی که طلبکار در آن طرح دعوی نموده است، اقامه نماید.^{۱۴} به تعبیر دیگر مرجع صالح در حقوق آمریکا، همان دادگاه صادرکننده حکم بدوی است، چرا که طلبکار ابتدا در آن دادگاه اقامه دعوی نموده است. بنابراین این نظریه منطبق با اصل صلاحیت دادگاه بدوی در رسیدگی به اشکالات اجرایی می‌باشد.

گفتار دوم - مراجع غیرقضائی

مراجع مختلفی در خصوص اجرای اسناد لازم‌الاجرا، ممکن است با موضع مستثنیات دین روبرو شوند. در این گفتار و در ادامه این تحقیق سعی می‌شود از سه مرجع اداره ثبت، دارایی و اداره کار که تشکیلات اجرایی مستقلی دارند و قادر به اجرای برخی اسناد می‌باشند، بحث شود.

بند اول - اداره ثبت

مطابق ماده (۲) قانون اصلاح بعضی از مواد قانون ثبت و قانون دفتر رسمی مصوب ۱۳۲۲/۶/۲۷، مرجع رسیدگی به دعاوی ناشی از دستور اجرای

باشد. اشکال چندانی پیش نمی‌آید چرا که در هر حال دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول صالح به رسیدگی است و حتماً همین دادگاه مجری حکم و تقییدکننده مزایده بوده است. بنابراین در این خصوص همان دادگاه مجری حکم صالح به رسیدگی است.

لیکن چنانچه مال مورد مزایده منقول باشد، ممکن است گفته شود چون مال به مالکیت خریدار درآمده است، بنابراین استرداد مال از مالک تابع طرح دعوی وفق قواعد عام ا.د.م می‌باشد و دادگاه محل اقامت خواننده (خریدار) صالح به رسیدگی است. لیکن به نظر ما نمی‌توان دادگاه محل اقامت خواننده را مرجع صالح تشخیص داد، چه اینکه مبنای مالکیت خریدار، مزایده و اجرای عملیات اجرایی از سوی دادگاه مجری حکم بوده است و در هر حال تا عملیات اجرایی و مزایده ابطال نشود یا صحت یا سقم آن مشخص نشود، نمی‌توان دعوی استرداد را استماع نمود. بنابراین ابتدا دادگاه باید عملیات اجرایی را باطل نماید، سپس حکم بر استرداد مال به محکوم علیه را صادر نماید. چون مبنای مالکیت خریدار، عملیات اجرایی انجام شده از سوی دادگاه مجری حکم بوده است و با استفاده از همان ملاکی که در تعیین مرجع صالح جهت رسیدگی به دعوی اعتراض ثالث آمده است (ماده ۴۲۰ ق.ا.د.م، که دادگاه صادرکننده حکم را صالح معرفی نموده است)^{۱۵} مرجع مجری حکم، صالح به رسیدگی است و ابتدا باید عملیات اجرایی را باطل نماید، سپس حکم به استرداد مال در حق محکوم علیه صادر نماید. پس در هر حال، چه اینکه مال موضوع مزایده منقول باشد یا غیرمنقول، مرجع صالح جهت تشخیص یا تعیین مستثنیات دین، دادگاه مجری حکم است. البته نظر مخالف نیز در جای خود ممکن است قابل دفاع باشد.

بند دوم - حقوق تطبیعی

الف - حقوق مصر

در حقوق مصر آمده است، دعوی رفع توقیف به جهت جایز نبودن توقیف مال، نزد قاضی اجرا محل اقامت محکوم علیه مطرح می‌شود. این امر هر چند برخلاف قاعده عام صلاحیت محل اقامت خواننده (محکوم له) است. لیکن به جهت این است که در جایی که مال نزد آن شخص است، آن دادگاه صالح است و نیز دلیل دیگر این است که محکمه نزدیک به محل مال صالح باشد. لیکن برخی از علما از جمله دکتر احمد ابوالوفا این نظر را قبول ندارند.^{۱۶}

ایراد این نظر به نظر ما این است که دادگاه مجری حکم در واقع دادگاه نیست، بلکه صرفاً اجرای حکم را برعهده دارد و در نیابت نیز دادگاه مجری نیابت نمی‌تواند راجع به چگونگی اجرای حکم و اظهارنظر راجع به مستثنیات دین دخالت نماید. چرا که این دادگاه به نیابت از اجرای احکام دادگاه صادرکننده حکم، انجام وظیفه می‌نماید و بدهی است. همانگونه که اجرای احکام معضی نیابت، در موارد رفع ایراد و اشکال راجع به اجرای حکم، پرونده را به دادگاهی که حکم زیر نظر آن اجرا می‌شود، (دادگاه صادرکننده اجرائیه) ارسال می‌نماید، اجرای احکام مجری نیابت نیز باید چنین کند و پرونده را به دادگاه صادرکننده حکم ارسال نماید.

ج - حقوق آمریکا

در حقوق آمریکا هر دو دیدگاه پذیرفته شده است. بدین ترتیب که در برخی موارد که قانون صریحا اموالی را به عنوان مال معاف از توقیف نام برده است و مأمور اجرا می‌داند یا باید بداند که جزء اموال معاف است، باید از توقیف آن خودداری نماید و در این وضعیت اطلاع یا تقاضای مدیون لازم نیست. در پرونده‌های اینگونه تصمیم گرفته شد که واگن مورد استفاده بدهکار به عنوان ابزار حرفه وی غیر قابل توقیف است و مأمور اجرا باید از توقیف آن خودداری کند و نیاز به تقاضای بدهکار نیست.^{۲۵}

اما در برخی موارد اطلاع یا تقاضای بدهکار لازم دانسته شده است. در مواقعی که بدهکار جهت استفاده از ابزار و وسایل، اهداف خاصی را دنبال می‌کند، باید به اطلاع مأمور اجرا برساند. در غیر این صورت، مال معاف از توقیف نخواهد بود. همچنین قانونگذار نمی‌تواند به طور دقیق کلیه اموال شخصی بدهکار را صریحا به عنوان اموال معاف از توقیف نام ببرد، بنابراین در خصوص وسایل ضروری زندگی، خود مدیون باید به مأمور اجرا اطلاع دهد یا تقاضا کند که از توقیف معاف باشد.^{۲۶}

ضرورت اطلاع یا تقاضای مدیون در مواردی که وی اهداف خاصی را جهت استفاده از ابزار و وسایل در نظر دارد، در حقوق آمریکا کاملا منطقی به نظر می‌رسد، چرا که بدهکار باید به

مأمور اجرا اطلاع دهد که با توجه به نوع نیاز و هدف و برنامه‌ای که دارد، مال مورد توقیف، مورد نیاز ضروری اوست، هرچند در وضعیت عادی و متعارف نمی‌توان آن مال را جزء مستثنیات دین تلقی نمود. بنابراین اگر مدیون مدعی مستثنیات دین بودن مال مورد توقیف باشد و به مأمور اجرا اطلاع ندهد باشد، مأمور اجرا حسب عموماً اقدام به توقیف آن مال می‌نماید. پس اطلاع یا تقاضای مدیون، در برخی موارد مبنی بر اینکه مال مورد توقیف، از جمله اموال مورد نیاز ضروری وی است، لازم می‌باشد.

گفتار دوم - مراجع غیرقضایی

در این گفتار از مراجع غیرقضایی، نحوه استناد به مستثنیات دین، در مراجع قضایی و اداره‌داری مورد بحث قرار می‌گیرد و با توجه به اینکه مطابق آیین‌نامه طرز اجرای آرای قطعی هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف موضوع ماده (۱۶۶) قانون کار، آرای صادره از هیأت‌های مذکور وفق اجرای احکام دادگستری، اجرا می‌شود. از بحث جداگانه پیرامون این موضوع، در این گفتار خودداری می‌شود.

باید مقررات مستثنیات دین را رعایت نماید و از توقیف اموالی که توقیف و فروش آنها جایز نیست، خودداری نماید.^{۲۷}

ناگفته نماند که در حقوق ایران، هر چند در خصوص قوانین مرتبط با اجرای احکام مدنی و آ.د.م، چنین حکمی بیان نشده است، لیکن در خصوص اجرای اسناد لازم‌الاجرا مطابق ماده (۷۸) آیین‌نامه نحوه اجرای مفاد اسناد لازم‌الاجرا مصوب ۱۳۵۵: «هریک از متعهدله و متعهد که موقع عملیات بازداشت حاضر باشد و ایرادی ننماید دیگر حق شکایت از اقدامات مأمور اجرا را نخواهد داشت.» هم چنین در قوانین مالیاتی، وفق ماده (۲۱) آیین‌نامه اجرایی وصول مالیاتها موضوع ماده (۲۱۸) قانون مالیاتهای مستقیم، «هرگاه مودی حین بازداشت اموال حاضر باشد و ایرادی از جهات مواد ۸ (بازداشت اموال ممنوعه) و ۹ و ۱۱ این آیین‌نامه ننماید بعدا از جهات مذکور حق اعتراض نخواهد داشت...».

ب - حقوق سوریه

در حقوق سوریه آمده است، هنگام وقوع اختلاف در جدا کردن اموال مشمول مستثنیات دین محکمه صادر کننده رای نظر می‌دهد و مدیون و محکوم‌علیه حق دارد، ظرف دو روز از تاریخ توقیف مال نسبت به اینکه توقیف مال مجاز بوده است یا خیر، در دادگاه صادر کننده حکم اعتراض نماید.^{۲۸}

باید در حین عملیات اجرایی، مقررات مستثنیات دین را رعایت نماید. بدون اینکه صاحب مال یا افراد ذیحق، متعرض آن شوند. ثانياً؛ چنانچه دایره اجرای احکام، حکم را اجرا نماید و پس از توقیف مال، مدیون یا افراد ذیحق مدعی باشند اموال توقیف شده، جزء مستثنیات دین است، باید ادعای خود را نزد مرجع صالح مطرح نماید.

اما چنانچه محکوم‌علیه در صحنه اجرا و توقیف مال حاضر باشد و عنی‌رغم توقیف مال، اعتراضی مبنی بر مستثنی بودن آن از توقیف و اجرا ننماید، به نظر می‌رسد بعدا نمی‌تواند متعرض آن شود.^{۲۹} چرا که با حضور در صحنه اجرا و امضای صورت‌مجلس، رضایت خود را اعلام نموده است، مگر اینکه امر جدیدی حادث شود و تا قبل از فروش اموال، نزد دادگاه صالح ثابت شود که فی‌الحال مال توقیفی، جزء مستثنیات دین اموال مدیون است، چه اینکه آنچه در رعایت مستثنیات دین ملاک است، جلوگیری از فروش آن است و ممکن است تا قبل از فروش، اولاً؛ مال در اختیار وی باشد (محکوم‌علیه) مثل مسکن، ثانياً؛ ممکن است نیاز و ضرورت چندانی به آن نداشته باشد و در موقع فروش مال به آن نیازمند شود، مثل؛ وسیله نقلیه یا اثاثیه منزل که در زمان توقیف ضروری وی نبوده است ولی در زمان فروش و اجرای حکم، جزء وسایل ضروری زندگی او به شمار آید. در این وضعیت نیز مدیون باید ادعای خود را مطرح و ثابت

نماید و دادگاه وضعیت زندگی و نیاز و ضرورت سابق محکوم‌علیه را استصحاب می‌نماید و فرض بر عدم شمول مقررات مستثنیات دین در خصوص اموال توقیف شده، می‌گیرد.^{۳۰} مگر اینکه صاحب مال یا ذیحق بعدا ثابت نماید که با توجه به نیاز و ضرورت، در حال حاضر (در زمان فروش) اموال توقیفی جزء مستثنیات دین اوست.

بند دوم - حقوق تطبیقی

در حقوق خارجی نیز هم اقدام اولیه مجری قرار به عنوان نحوه استناد به مستثنیات دین پذیرفته شده است و هم اعتراض و ادعای متعقب مدیون و افراد ذیحق. در این بند به اختصار مطالبه‌های کوتاه‌خو، هم‌داشت در حقوق خارجی پیرامون نحوه استناد به مستثنیات دین.

الف - حقوق اردن

در حقوق اردن، چنین آمده است که اگر محکوم‌علیه در صحنه حاضر باشد و نسبت به توقیف اموال مشمول مستثنیات دین، اعتراض نباشد، دیگر اعتراض وی پذیرفته نیست.^{۳۱} هم چنین در ادامه آمده است که مدیر اجرا



بند اول - اداره ثبت

تقریباً مسائلی که در خصوص نحوه استناد به مستثنیات دین در دادگستری مطرح گردید، در مورد اجرائیه‌های صادره از سوی واحد ثبتی نیز صادق است و هر دو شیوه استناد، چه اقدام اولیه مدیر اجرا و چه تقاضا و ادعای بعدی ذیحقی مبنی بر مستثنی بودن مال توقیف شده، مصداق دارد. مطابق صدر ماده (۶۹) آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا، «مستثنیات دین نباید توقیف شود». نحوه بیان عبارت قانونگذار، بیانی الزامی است، و مدیر اجرا یا هر مقام اجرا کننده باید با توجه به نهی قانونگذار از توقیف اموال مشمول مستثنیات دین، از توقیف آنها خودداری نماید.

در تبصره (۲) الحاقی به ماده (۶۹) آئین‌نامه مذکور، مصوب ۱۳۷۰، آمده است: «در صورت بروز اختلاف

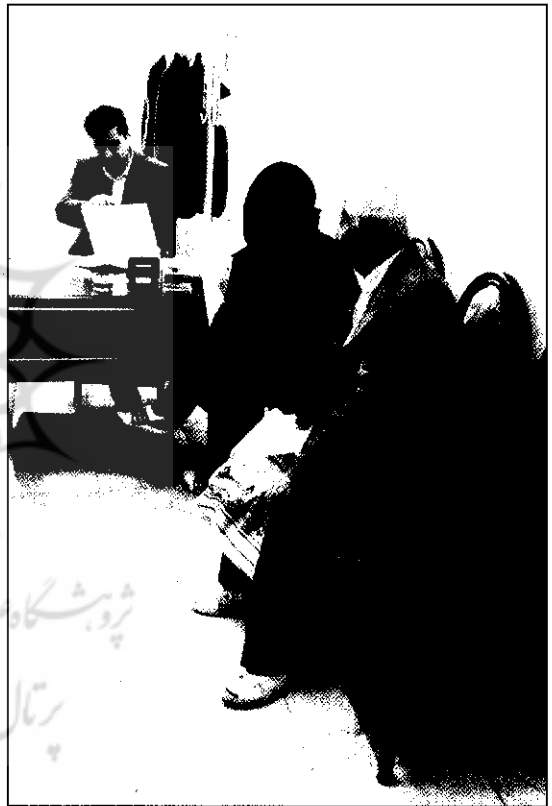
اجرائی وصول مالیاتها موضوع ماده ۲۱۸ ق.م.م. بازداشت برخی از اموال مودی، ممنوع است. نحوه بیان قانون حاکی از الزام مأمور اجراست. و مأمور اجرا مکلف است وفق قانون از توقیف اموال یاد شده در ماده (۱۸) آیین‌نامه مزبور و ماده (۲۱۸) قانون فوق، خودداری نماید ولو اینکه مدیون متعرض آن نشده باشد. لیکن مطابق ماده (۲۱) آیین‌نامه فوق‌الذکر، هرگاه مودی حین بازداشت اموال حاضر باشد و ایرادی از جهات مواد ۸ (ممنوعیت بازداشت برخی از اموال) و... این آیین‌نامه ننماید، بعداً از جهات مذکور حق اعتراض نخواهد داشت.

بنابراین با توجه به مفاد ماده مذکور، ممکن است در مواردی مدیر اجرا، برحسب مورد مستثنیات دین را مورد توجه قرار ندهد، در این وضعیت مودی باید متعرض آن شود و اعتراض خود را اعلام نماید.

قانونگذار حضور مودی حین توقیف اموال و عدم اعتراض وی را حمل بر رضایت وی نموده است و به همین جهت اعلام کرده است، اعتراض متعاقب مودی پذیرفته نیست. بنابراین در خصوص نحوه اجرای اجرائیه صادره از سوی اداره دارایی نیز هر دو شیوه استناد، مورد توجه قانون بوده است؛ هم الزام مأمور اجرا در رعایت عدم توقیف اموال مشمول مستثنیات دین و هم اعتراض مدیون در توقیف اموال مشمول مستثنیات دین.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- حسین‌المحمود، مرحمت محمودی، شرح قانون‌التنفيذ لسنة ۱۹۸۰ - بغداد ۱۴۱۲ هـ ق (۱۹۹۲ م)، ص ۶۹.
- ۲- متین دفتری، دکتر احمد، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، انتشارات مجد، چاپ دوم، سال ۱۳۸۱، جلد دوم، ص ۱۴۹.
- ۳- شهری، غلامرضا و غیره، مجموعه نظرهای مشورتی اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۸۰ - انتشارات روزنامه رسمی - ۱۳۸۰، ص ۱۰۵.
- ۴- ماده ۴۲۲ ق. آ. د. م، اعتراض ثالث



نسبت به متناسب بودن اموال و اشیاء موصوف با نیاز اشخاص فوق‌الذکر، رئیس ثبت محل با توجه به وضعیت خاص متعهد و عرف محل، مطابق ماده (۲۲۹) اتخاذ تصمیم خواهد نمود.

با توجه به این تبصره، احتمال بروز اختلاف بین طرفین راجع به اینکه مال جزء مستثنیات دین باشد یا خیر، وجود دارد و بدنبال آن این احتمال می‌رود که در مواقعی متعهد باید مدعی مستثنی بودن مال از اجرا شود و باید این تقاضا و ادعای خود را در مرجع صالح مطرح نماید. بنابراین تقاضا و ادعای متعهد راجع به مستثنیات دین بودن اموال، در مواقعی ضروری است.

بند دوم - اداره دارایی

مطابق ماده (۲۱۲) ق.م.م. و نیز ماده (۸) آیین‌نامه

سال ۱۳۷۳، ص ۱۲۲۳.
 ۱۲- ترکیب هیات حل اختلاف وفق ماده (۱۶۰) قانون کار بدین قرار است: سه نفر نماینده کارگران به انتخاب کانون هم‌هنگی شورای اسلامی کار استان، سه نفر نماینده کارفرمایان به انتخاب مدیران واحدهای منطقه، سه نفر نماینده دولت (مدیر کل کار و امور اجتماعی - فرماندار - رئیس دادگستری محل).
 ۱۳- ترکیب هیات تشخیص وفق ماده (۱۵۸) قانون کار بدین نحو است: یک نفر نماینده وزارت کار - یک نفر نماینده کارگران - یک نفر نماینده صاحبان صنایع به انتخاب کانون انجمن‌های صنفی کارفرمایان استان.

۱۴- شمس، دکتر عبدالله، آیین دادرسی مدنی، انتشارات میزان، چاپ اول، پائیز ۱۳۸۰، جلد اول، ش ۹۲، ص ۱۰۰.

۱۵- م.ق.ر.ر.ک، سال ۱۳۷۰، ص ۷۲.

۱۶- ماده ۱۲۹ ق.آ.د.م: «در کلیه مواردی که تأمین مالی منتهی به فروش آن گردد رعایت مقررات فصل سوم از باب نهم این قانون (مستثنیات دین) الزامی است».

۱۷- اداره حقوقی نیز در نظریه رعایت مقررات مستثنیات دین را الزامی اعلام نموده است.

۱۸- مثل اجرائیه‌ای که روی رأی هیات حل اختلاف کار صادر می‌شود هر چند حکم دادگاه نیست.

۱۹- اداره حقوقی نیز در نظریه همین نظر را داده است.

۲۰- «شخص خیاطی به مدعی به یک‌دستگاه چرخ خیاطی در یکی از محاکم صلح نواحی اقامه دعوی کرده و پس از تظلم مدعی و مطالبه چرخ مدعی علیه نیز به مدرکیت یک طغری قبض ذمه بمبلغ ۳۲۰ ریال مبلغ ۱۵۰ ریال بابت ده قسط از مدعی در محکمه صلح ناحیه دیگری مطالبه

و نظر به اعتراف مدعی علیه به صحت قبض مزبور دادگاه مشارالیه را محکوم برداخت مدعی به نموده و در نتیجه صدور ورقه اجرائیه محکوم علیه چرخ محکوم علیه را که در انبار خود او و در محکمه دیگر تحت رسیدگی بوده معرفی و دادگاه به ایراد محکوم علیه باینکه چرخ خیاطی از مستثنیات دین است ترتیب اثر نداده تخلف نیست زیرا علاوه بر اینکه در بدو امر و قبل از آغاز اعتراض از طرف محکوم علیه موظف به رسیدگی بود و تشخیص اینکه مالی که از طرف محکوم له برای محکوم علیه معرفی می‌شود از آلات و ادوات صنعتی او محسوب می‌گردد یا نه نیست و در این مورد طبق دفاعی که امین صلح نموده قرائنی بر نبودن مال توقیف شده از مستثنیات دین در نظرش موجود بوده است.» حکم شماره ۱۰۶۸-۱۰-خرداد ۱۳۱۱، محکمه انتظامی قضات، شهیدی، موسی، موازین قضایی (حقوقی- جزایی- اداری- امور وکلا- دادگستری) محکمه عالی انتظامی از نظر تخلف اداری، انتشارات علمی، تهران، چاپ سوم، سال ۱۳۴۰، ش ۵۱۰، ص ۲۳۹.

۲۱- عواد القضاة، مفلح، اصول التنفيذ وفقاً لقانون الاجراء عمان، ۱۹۹۷، ص ۶۱.

۲۲- منبع پیشین، ص ۲۶۶.

۲۳- مجموعه قوانین و مقررات حقوقی به اهتمام قوه قضائیه، منبع پیشین، ص ۱۱۸۲.

۲۴- الخوری، فارس، منبع پیشین، ص ۳۵۲.

۲۵- American jurisprudence, op.cit, n. ۱۲۲، ص ۲۴۴.

۱۱- مجموعه قوانین و مقررات حقوقی به اهتمام قوه قضائیه، انتشارات روزنامه رسمی کشور، تهران، چاپ اول،

۱۲- مجموعه قوانین و مقررات حقوقی به اهتمام قوه قضائیه، انتشارات روزنامه رسمی کشور، تهران، چاپ اول،

۱۳- مجموعه قوانین و مقررات حقوقی به اهتمام قوه قضائیه، انتشارات روزنامه رسمی کشور، تهران، چاپ اول،

۱۴- مجموعه قوانین و مقررات حقوقی به اهتمام قوه قضائیه، انتشارات روزنامه رسمی کشور، تهران، چاپ اول،

۱۵- مجموعه قوانین و مقررات حقوقی به اهتمام قوه قضائیه، انتشارات روزنامه رسمی کشور، تهران، چاپ اول،

۱۶- مجموعه قوانین و مقررات حقوقی به اهتمام قوه قضائیه، انتشارات روزنامه رسمی کشور، تهران، چاپ اول،

۱۷- مجموعه قوانین و مقررات حقوقی به اهتمام قوه قضائیه، انتشارات روزنامه رسمی کشور، تهران، چاپ اول،

۱۸- مجموعه قوانین و مقررات حقوقی به اهتمام قوه قضائیه، انتشارات روزنامه رسمی کشور، تهران، چاپ اول،

۱۹- مجموعه قوانین و مقررات حقوقی به اهتمام قوه قضائیه، انتشارات روزنامه رسمی کشور، تهران، چاپ اول،